



مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی



زبان را چگونه آموزش دهیم؟

انگلیسی

جرمی هارمر

ترجمه دکتر فریاد اعلی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه:	هارمر، جریمی
سرشناسه:	Harmer, Jeremy
عنوان و نام پدیدآور:	زبان انگلیسی را چگونه آموزش دهیم؟ / جریمی هارمر؛ ترجمه زهرا عباسی.
مشخصات نشر:	تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۲۸۶ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۳۰-۸۸-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	این کتاب نخستین بار تحت عنوان "چگونگی آموزش زبان انگلیسی" با ترجمه محمد عطارزاده توسط انتشارات سابقون در سال ۱۳۹۵ فیا گرفته است. چگونگی آموزش زبان انگلیسی.
یادداشت:	آموزش مجازی
موضوع:	زبان انگلیسی -- راهنمای آموزشی -- خارجیان
موضوع:	English language -- Study and teaching -- Foreign speakers
موضوع:	زبان انگلیسی -- راهنمای آموزشی
موضوع:	English language -- Study and teaching
موضوع:	عباسی، زهرا، ۱۳۵۴، - مترجم
رده‌بندی کنگره:	PE۱۱۲۸/۵۲۳چ۸ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی:	۴۲۸/۲۴
شماره کتابشناسی ملی:	۵۱۴۰۶۲۸

زبان انگلیسی را چگونه آموزش دهیم؟

جرمی هارمر

ترجمه

دکتر زهرا عباسی

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس



نشر خاموش

نام کتاب:	زبان انگلیسی را چگونه آموزش دهیم؟
نویسنده:	جرمی هارمر
ترجمه:	زهرا عباسی
ویرایش:	لیلا کیاشمشکی، سهیلا ایزدی
طرح جلد:	مجید شمس‌الدین
صفحه‌آرایی:	فاطمه افشار
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	سراج / مجتمع چاپ رضوی
چاپ / شمارگان:	اول ۱۳۹۷ / ۳۰۰ نسخه
قیمت:	۷۵۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۳-۸۸-۲

تمام حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamoosh.com | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه کتبی ناشری باشد.

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مبین، شماره ۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۰۹۹ / ۶۶۴۰۸۶۴۰

مرکز پخش: پخش چشمه: بلوار دماوند، بعد از سه راه تهران پارس بلوار اتحاد، اتحاد ۱۱، پلاک ۸

تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲ / ۷۷۱۴۴۸۰۸ / ۷۷۱۴۴۸۲۱

فروشگاه: کتابفروشی توس. خیابان انقلاب، نیش خیابان دانشگاه. پلاک ۱۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

فهرست

۱۳ مقدمه
۱۷ فصل ۱: فراگیران
۱۸ • دلایل یادگیری
۱۹ • موقعیت‌های مختلف یادگیری
۲۴ • تفاوت‌های فراگیران
۳۶ • اهمیت انگیزش زبان‌آموزان
۳۸ • مسئولیت‌پذیری برای یادگیری
۴۱ • فعالیت
۴۷ فصل ۲: معلمان
۴۸ • توصیف معلمان خوب
۴۹ • معلمان در کلاس چه شخصیتی دارند؟
۵۳ • رابطه دوستانه
۵۷ • وظایف معلم
۵۹ • مهارت‌های معلم
۶۲ • دانش معلم
۶۷ • علم یا هنر؟
۶۹ • فعالیت
۷۳ فصل ۳: مدیریت کلاس درس
۷۴ • مدیریت کلاس
۷۵ • معلم در کلاس درس
۷۷ • استفاده از صدا
۷۹ • صحبت با زبان‌آموزان
۸۰ • ارائه دستورالعمل انجام کارها
۸۱ • زمان حرف زدن معلم و زمان حرف زدن زبان‌آموزان
۸۲ • استفاده از زبان اول
۸۵ • طراحی مراحل یک درس
۸۶ • چیدمان مختلف صندلی‌ها در کلاس
۹۰ • گروه‌بندی‌های مختلف زبان‌آموزان
۹۵ • فعالیت
۱۰۱ فصل ۴: توصیف فرایندهای آموزش و یادگیری
۱۰۲ • کودکان و زبان

- فراگیری و یادگیری ۱۰۳
- زمان‌های مختلف، شیوه‌های مختلف ۱۰۵
- عناصر لازم برای یادگیری موفقیت‌آمیز زبان ASE (درگیر کردن - مطالعه کردن و فعال کردن) ۱۱۲
- توالی درسی ASE (درگیر کردن - مطالعه کردن - فعال کردن) ۱۱۸
- برنامه‌ریزی و سه عنصر ASE (درگیر کردن - مطالعه کردن - فعال کردن) ۱۲۳
- فعالیت ۱۲۵

فصل ۵: توصیف زبان ۱۳۱

- معنا در موقعیت ۱۳۲
- عناصر زبان ۱۳۳
- صورت و معنا ۱۳۹
- اقسام کلمه ۱۴۱
- معنای فرضی ۱۵۸
- باهم‌آیی‌ها ۱۶۱
- کارکردهای زبانی ۱۶۳
- متن و گفتمان ۱۶۴
- متغیرهای زبانی ۱۶۷
- فعالیت ۱۷۱

فصل ۶: آموزش نظام زبان ۱۸۱

- آموزش جنبه‌های خاصی از زبان ۱۸۲
- توضیح دادن معنا ۱۸۶
- توضیح ساختار زبان ۱۸۸
- تمرین و تمرین کنترل شده ۱۸۹
- نمونه‌هایی از آموزش نظام زبان ۱۹۳
- اشتباهات، لغزش‌ها، خطاها و تلاش‌ها ۲۰۸
- اصلاح اشتباهات زبان‌آموزان ۲۰۹
- فعالیت ۲۱۳

فصل ۷: آموزش مهارت خواندن ۲۲۱

- دلایل خواندن ۲۲۲
- انواع مختلف خواندن ۲۲۳
- سطوح خواندن ۲۲۴
- مهارت‌های خواندن ۲۲۵
- اصول خواندن ۲۲۶
- توالی‌های خواندن ۲۲۸
- پیشنهاداتی برای خواندن بیشتر ۲۳۷

- ترغیب زبان‌آموزان به گسترده‌خوانی ۲۴۲
- فعالیت ۲۴۴

فصل ۸: آموزش مهارت نوشتن ۲۵۱

- دلایل آموزش نوشتن ۲۵۲
- مسائل مربوط به نوشتن ۲۵۳
- توالی‌های نوشتن ۲۵۵
- پیشنهادهای برای نوشتن بیشتر ۲۶۴
- اصلاح کردن فعالیت‌های نوشتن ۲۶۹
- دستخط ۲۷۰
- فعالیت ۲۷۱

فصل ۹: آموزش مهارت صحبت کردن ۲۷۷

- دلایل آموزش مهارت صحبت کردن ۲۷۸
- توالی‌های صحبت کردن ۲۸۰
- تبادل نظر ۲۸۸
- پیشنهادهای برای صحبت کردن بیشتر ۲۸۹
- اصلاح فعالیت‌های صحبت کردن ۲۹۳
- آنچه معلمان در جریان فعالیت صحبت کردن انجام می‌دهند ۲۹۴
- فعالیت ۲۹۵

فصل ۱۰: آموزش مهارت گوش دادن ۳۰۱

- دلایل گوش دادن ۳۰۲
- انواع مختلف فعالیت‌های گوش دادن ۳۰۳
- سطوح گوش دادن ۳۰۵
- مهارت‌های گوش دادن ۳۰۶
- اصول گوش دادن ۳۰۷
- توالی‌های گوش دادن ۳۰۹
- پیشنهادهای برای گوش دادن بیشتر ۳۱۹
- منابع شنیداری و دیداری ۳۲۲
- فعالیت ۳۲۵

فصل ۱۱: استفاده از کتاب درسی ۳۳۱

- گزینه‌هایی برای استفاده از کتاب درسی ۳۳۲
- اضافه کردن، تعدیل کردن و جایگزین کردن ۳۳۴
- دلایلی برای استفاده و عدم استفاده از کتاب درسی ۳۴۳
- انتخاب کتاب درسی ۳۴۴

۳۴۸	• فعالیت
۳۵۳	فصل ۱۲: برنامه‌ریزی کردن درس‌ها
۳۵۴	• دلایل برنامه‌ریزی
۳۵۵	• پیشنهاد یک اقدام
۳۵۷	• شکل‌های درس
۳۵۸	• سؤالات مربوط به برنامه‌ریزی
۳۶۱	• قالب‌های برنامه‌ریزی
۳۶۵	• برنامه‌ریزی یک توالی از دروس
۳۶۷	• بعد از یک درس (وقبل از درس بعدی)
۳۷۰	• فعالیت
۳۷۵	فصل ۱۳: آزمون‌سازی
۳۷۶	• دلایل آزمون گرفتن از زبان‌آموزان
۳۷۹	• آزمون‌های خوب
۳۸۱	• انواع آزمون‌ها
۳۸۸	• تصحیح آزمون‌ها
۳۹۳	• طراحی آزمون‌ها
۳۹۶	• فعالیت
۴۰۳	فصل ۱۴: چه می‌شود اگر؟
۴۰۴	• چه می‌شود اگر همه زبان‌آموزان در سطوح متفاوتی باشند؟
۴۰۷	• چه می‌شود اگر اندازه کلاس خیلی بزرگ باشد؟
۴۰۹	• چه می‌شود اگر زبان‌آموزان به استفاده از زبان مادری شان ادامه دهند؟
۴۱۱	• چه می‌شود اگر زبان‌آموزان تکالیفشان را انجام ندهند؟
۴۱۳	• چه می‌شود اگر زبان‌آموزان فاقد روحیه همکاری باشند؟
۴۱۶	• چه می‌شود اگر زبان‌آموزان تمایلی به حرف زدن نداشته باشند؟
۴۱۷	• چه می‌شود اگر زبان‌آموزان فایل صوتی را متوجه نشوند؟
۴۱۹	• چه می‌شود اگر برخی از زبان‌آموزان قبل از دیگران تکلیف را انجام دهند؟
۴۲۱	• فعالیت
۴۲۹	کلید حل تکالیف
۴۴۵	فایل تکالیف DVD
۴۵۷	پاسخ‌نامه تکالیف DVD

۴۶۱	ضمیمه‌ها
۴۶۳	• ضمیمه الف
۴۷۳	• ضمیمه ب
۴۷۵	• ضمیمه ج
۴۷۷	• ضمیمه د
۴۸۵	فهرست اصطلاحات

پیشگفتار مترجم

آموزش زبان خارجی/ دوم از رشته‌هایی است که جایگاه ویژه‌ای در میان رشته‌های دانشگاهی دارد، زیرا به آموزش و یادگیری مهم‌ترین اصل زندگی بشری یعنی ارتباط کلامی می‌پردازد. تاکنون کتاب‌های بسیاری در حوزه آموزش زبان خارجی/ دوم نگاشته شده که بسیاری از آنها به زبان فارسی ترجمه شده‌است. کتاب حاضر اثری از جرمی هارمر است که در زمینه آموزش زبان آثار متعددی نگاشته‌است. مخاطبان وی مدرسان زبان خارجی/ دوم هستند و موضوعات مختلفی در قالب چهارده فصل در کتاب مطرح شده‌است. البته نظریه‌ها، اصول و قواعد مورد بحث در این کتاب صرفاً به آموزش و یادگیری زبان انگلیسی اختصاص ندارد، بلکه می‌توان در آموزش هر زبانی به‌ویژه آموزش زبان فارسی به خارجیان از این اصول و قواعد بهره جست. جرمی هارمر به عنوان مدرس باتجربه زبان، با لحنی صمیمانه و ارتباطی مطالب مورد نظر خود را، به زبانی ساده بیان و راهکارهای بسیار مؤثری به مدرسان پیشنهاد کرده که این مطالب برای مدرسان زبان فارسی به خارجیان بسیار راهگشا خواهد بود. در ترجمه سعی شده این لحن تا حد ممکن حفظ گردد. در ابتدا موضوعات مرتبط با مدرسان و زبان آموزان، ویژگی‌ها و تعاملات میان آنان در قالب دو فصل ارائه شده و مدیریت کلاسی و توصیف فرایندهای آموزش و یادگیری در دو فصل بعدی راهکارهای مناسبی پیش روی مدرسان قرار می‌دهد. توصیف زبان، کلیات آموزش نظام زبانی و آموزش مهارت‌های چهارگانه زبانی (خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن) به تفکیک بخش‌های پنج تا نهم کتاب را شامل می‌شود و در خلال این بخش‌ها اصول و شیوه‌های مختلفی برای تدریس موفق دانش و مهارت‌های زبانی پیشنهاد شده است. استفاده از کتاب درسی و موضوعات مرتبط با برنامه‌ریزی درسی در دو فصل یازدهم و دوازدهم بیان و آزمون‌سازی و شیوه‌ها و روش‌های اجرای آن در فصل سیزدهم مورد توجه قرار گرفته‌است. در فصل چهاردهم که فصل پایانی کتاب نیز هست، چالش‌های مدرسان در کلاس‌ها مورد توجه قرار گرفته و به پرسش‌های مهمی که در حین تدریس برای آنان پیش می‌آید، پاسخ داده شده است.

خواندن این کتاب را به معلمان، مدرسان و دانشجویان رشته‌های آموزش زبان‌ها به ویژه مدرسان زبان فارسی به خارجیان پیشنهاد می‌کنم. در پایان لازم است مراتب تشکر خود را از جناب آقای دکتر هادی یعقوبی عضو هیأت علمی دانشگاه کوثر بجنورد که نکات ارزشمندی را درخصوص ترجمه به بنده توصیه کردند اعلام کنم.

زهرا عباسی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

بهمن ماه ۱۳۹۷

مقدمه

یکی از دوستانم که رهبر ارکستر است (در اوایل آشنایی مان) در خصوص این امر که چگونه امرار معاش می‌کنم از من پرسید. به او گفتم که صرف نظر از فعالیت‌های دیگر، کتاب‌هایی را در خصوص چگونگی آموزش زبان انگلیسی می‌نویسم. او پاسخ داد: «کتاب‌ها؟ قطعاً زمانی که یک کتاب نوشته‌اید، دیگر چیز بیشتری برای گفتن و نوشتن وجود ندارد». می‌خواستم به او بگویم که همین الان خودش را از انجام شغلش بر حذر دارد (به تعبیر دیگر، چه تعداد از سمفونی‌های بتهوون در قرن بیست و یکم به تنهایی اجرا شده‌اند؟)، که در این زمان یکی از دوستانش از سؤال او خنده‌اش گرفت، یک موسیقیدان دیگر اظهار نظر متفاوتی کرد و گفتگویمان بر همین منوال ادامه یافت، به نحوی که پرس‌وجوی غیرجدی این رهبر ارکستر (مارتین) در جو صمیمی میخانه بریتانیا محو گردید.

اما این سؤال، سؤال خوبی بود. آیا قطعاً می‌دانیم که زبان‌ها را چگونه آموزش دهیم؟ با این همه، آدمی به مدت دو هزار سال یا کمی بیشتر با موفقیت به این

کار مشغول بوده و برخی از جنبه‌های آموزش زبان در زمان گذشته احتمالاً خیلی تغییر نیافته‌اند، اما جنبه‌های دیگر آن یا تغییر یافته یا خواهند یافت. به همین دلیل است که (به نظر بنده) هر زمان که فرضیات گذشته در خصوص آموزش را دوباره مورد بازبینی قرار می‌دهم، خود را در حال کنکاش و تفسیر دوباره چیزهایی می‌یابم که در گذشته فکر می‌کردم تغییر ناپذیرند. البته بنده در این زمینه تنها نیستم. همه ما در همه زمان‌ها این کار را انجام می‌دهیم و یا حداقل آن را زمانی انجام می‌دهیم که اذهانمان را بر روی احتمالات تغییر و تجدید بسته باشیم.

آموزش زبان شاید بیش از بسیاری از فعالیت‌های دیگر، بازتابی از زمانی است که در آن اتفاق می‌افتد. صرف نظر از همه چیز، زبان با ارتباط مرتبط است و شاید به همین خاطر است که فلسفه‌ها و تکنیک‌های یادگیری زبان ظاهراً هماهنگ با جوامعی که آنها را به وجود می‌آورند، توسعه و تغییر می‌یابند. یادگیری و آموزش فعالیت‌هایی بسیار انسانی هستند. این فعالیت‌ها به همان اندازه که (از دیدگاه ما) زبانی هستند، اجتماعی نیز هستند. اما این فقط جامعه نیست که تغییر و تکامل می‌یابد. دهه‌های گذشته شاهد آن چیزی بوده‌اند که به تغییر فناورانه بی‌سابقه منجر شده است. اینترنت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و دیگر فناوری‌های آموزشی نیز از این قافله عقب نبوده‌اند. نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای جدید به وجود آمده‌اند که به ندرت می‌توان وجود آنها را در زمان اولین چاپ این کتاب در اوایل سال ۱۹۹۸ تصور نمود. و همه این موارد بسیار جذاب هستند. امروزه احتمالات بسیار زیادی پیش روی ما وجود دارند (به‌ویژه امکان نوشتن و ویرایش کتاب‌ها به صورت الکترونیکی). تلاش نموده‌ام تا این جذابیت و تازگی را در بخش‌هایی از ویرایش جدید کتاب انعکاس دهم. اما باید محتاط نیز باشیم. به قول بارونز گرین فیلد که در حال سخنرانی در مجلس اعیان بود: «بهتر است آن فناوری مناسبی را انتخاب نمایم که به ما اطمینان می‌دهد که کلاس درس مناسب زبان‌آموزان است و به رویه در حال رشد فناوری شتاب بخشیم... تا این‌که این فناوری به منظور مناسب ساختن زبان‌آموزان قرن بیست و یک برای کلاس درس مورد استفاده قرار گیرد».

اما در نهایت چیزی که باقی است لذت محض و ناکامی و ناباوری (و به قول

نمایش نامه نویس معروف، دنیس پاتر) «لذت دلپذیر»ی است که شما در بازیابی و بازخوانی مجدد متنی تجربه می کنید که چند سال قبل آنها را نوشته اید: چالش موجود این است که در پرتو آن چه اتفاق افتاده، گفته شده و یا نوشته شده، به چیزهایی توجه داشته باشید که نیاز به تغییر، حذف یا اضافه دارند.

خوانندگان اولین نسخه این کتاب متوجه نوعی تغییر در ترتیب فصول و نیز وجود فصل جدیدی درخصوص موضوع آزمون سازی خواهند شد. منابع و تکنیک های جدید به علاوه تعداد زیادی از منابع قدیمی که از بوته آزمایش زمان سالم بیرون آمده اند، در این کتاب ذکر شده اند. در انتهای کتاب مجموعه بروزتری از منابع وجود دارد. به علاوه یک فهرست اصطلاحات که به معلمان تازه کار درخصوص باتلاق سنگین ایجاد شده به واسطه اصطلاحات نامفهوم تولید شده توسط حرفه معلمی کمک می نماید.

و لذا می خواهیم به دوست رهبر ارکستریم بگویم که به خاطر پیشرفت های جدید، فناوری های جدید و تفاسیر جدید خدا را شکر میکنم. همه این ها ما را زنده نگه می دارند و باعث می شوند که ما معلمان بهتری باشیم. البته ما نباید به قول تی اس الیوت از کنکاش دست بکشیم، چراکه حتی اگر در پایان سفر به آن نقطه ای رسیده باشیم که از آن آغاز نمودیم، این تنها سفر است که برایمان به جا می ماند.

جرمی هارمر

- بافت‌های مختلف یادگیری
- تفاوت‌های فراگیران
- اهمیت انگیزش زبان‌آموزان
- مسئولیت‌پذیری برای یادگیری

فصل اول

فراگیران

دلایل یادگیری

در سراسر جهان، افرادی در سنین مختلف در حال یادگیری زبان انگلیسی هستند، اما این افراد به دلایل بسیار متفاوتی به این امر مبادرت می‌ورزند. برخی از زبان‌آموزان، زبان انگلیسی را تنها به این دلیل می‌آموزند که این زبان در برنامه درسی‌شان در مقاطع ابتدایی و متوسطه لحاظ شده است، اما دیگر زبان‌آموزان به انتخاب خودشان این زبان را برای یادگیری برگزیده‌اند. بسیاری از مردم، زبان انگلیسی را به دلیل نقل مکان به جامعه زبان هدف^۱ و نیاز به عملکرد موفقیت‌آمیز در این جامعه می‌آموزند. منظور از جامعه زبان هدف، جایی است که در آن زبان انگلیسی زبان ملی آن کشور است، مانند بریتانیا، کانادا، زلاندنو... و یا جایی که در آن زبان انگلیسی یکی از زبان‌های اصلی مربوط به فرهنگ و تجارت محسوب می‌شود؛ کشورهایی مانند، هندوستان، پاکستان و نیجریه.

برخی از زبان‌آموزان برای یک هدف ویژه به زبان انگلیسی نیاز دارند (انگلیسی برای اهداف ویژه^۲). ممکن است زبان‌آموزان چنین رشته‌ای (که گاهی اوقات انگلیسی برای

-
1. target-language community
 2. English for Specific Purposes (ESP)

اهداف خاص^۱ نیز نامیده می‌شود) نیاز به یادگیری زبان حقوقی، گردشگری، بانکداری یا پرستاری داشته باشند. شاخه‌ای از زبان انگلیسی که اخیراً بی‌نهایت محبوبیت یافته، آموزش انگلیسی کسب‌وکار^۲ است که در آن زبان‌آموزان درخصوص چگونگی عملکرد انگلیسی در دنیای کسب‌وکار آموزش می‌بینند. همچنین بسیاری از زبان‌آموزان به انگلیسی برای اهداف دانشگاهی^۳ نیاز دارند تا بتوانند در یک دانشگاه یا دانشکده انگلیسی‌زبان تحصیل کرده و یا به متون علمی به زبان انگلیسی دسترسی یابند.

بسیاری از افراد، زبان انگلیسی را بدین خاطر می‌آموزند که تصور می‌کنند این زبان به طریقی برای مسافرت و ارتباطات بین‌المللی مفید است. این دسته از فراگیران زبان عمومی^۴ اغلب دلیل خاصی برای رفتن به کلاس‌های انگلیسی ندارند و صرفاً مایلند که صحبت کردن (و نوشتن و خواندن) به این زبان را بیاموزند تا احتمالاً در زمان و مکانی دیگر به کارشان آید. اهداف زبان‌آموزان برای یادگیری بر آن چیزی که آنها می‌خواهند و نیاز به یادگیری آن دارند و در نتیجه، بر آن‌چه که به آنان آموزش داده می‌شود، به نوعی تأثیر می‌گذارد. برای مثال دانشجویان رشته زبان انگلیسی برای کسب‌وکار زمان زیادی را صرف تمرکز بر زبان موردنیاز برای موقعیت‌ها و دادوستدهای تجاری می‌نمایند. زبان‌آموزانی که در یک جامعه زبان هدف زندگی می‌کنند، نیازمند استفاده از انگلیسی برای رفع نیازهای اجتماعی و عملی‌شان هستند. گروهی از پرستاران می‌خواهند گونه‌ای از زبان انگلیسی را بیاموزند که احتمالاً در زمان پرستاری به آن نیاز خواهند داشت و البته، دانشجویان انگلیسی عمومی (از جمله آنهایی که این زبان را به عنوان بخشی از تحصیلات ابتدایی یا متوسطه می‌آموزند)، چنین نیازهای ویژه‌ای نداشته و لذا درس‌هایشان (و منابعی که معلمشان به کار می‌برند) قطعاً متفاوت از درس‌هایی است که زبان‌آموزان دارای نیازهای کاملاً مشخص می‌آموزند. همان‌طور که در بخش بعد خواهیم دید، در نظر گرفتن نیازهای متفاوت زبان‌آموزان مان برای یادگیری زبان تنها یکی از متغیرهای بی‌شمار و متفاوت مربوط به فراگیران است.

-
1. English for Special Purposes
 2. Business English
 3. English for Academic Purposes (EAP)
 4. General English

بافت‌های مختلف یادگیری

انگلیسی در بسیاری از بافت‌ها و چیدمان‌های کلاسی مختلف آموزش داده و آموخته می‌شود. چنین تفاوت‌هایی، تأثیر قابل توجهی بر چستی و چگونگی آن چیزی دارد که آموزش داده می‌شود.

زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی، زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم و زبان انگلیسی برای گویشوران زبان‌های دیگر

طی سالیان متمادی میان افرادی که زبان انگلیسی را به عنوان زبان خارجی، زبان دوم و یا زبان دیگر می‌آموزند، نوعی تمایز وجود داشته است. تصور بر این است که یادگیرندگان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی^۱ به این دلیل این زبان را می‌آموزند که بتوانند از آن در طول سفر و یا در برقراری ارتباط با مردم انگلیسی‌زبان کشورهای دیگر، استفاده نمایند. از سوی دیگر، یادگیرندگان زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم^۲ معمولاً در جامعه زبان هدف زندگی می‌کنند. ممکن است که این گروه نیاز به یادگیری گونه زبانی خاصی از آن جامعه داشته باشند (برای مثال انگلیسی اسکاتلندی، انگلیسی مناطق جنوبی انگلستان، انگلیسی استرالیایی، انگلیسی تگزاسی و موارد دیگر) و نه یک گونه زبانی عمومی‌تر (ذیل عنوان گونه‌های زبانی در فصل پنج را ببینید). احتمالاً آنها باید یادگیری زبان انگلیسی را با دانش چگونگی انجام کارها در جامعه زبان هدف ترکیب نمایند، به عنوان مثال رفتن به بانک، اجاره آپارتمان، دسترسی به خدمات بهداشتی و غیره. بنابراین گونه زبان انگلیسی که آنها می‌آموزند، ممکن است متفاوت از آن چیزی باشد که دانشجویان انگلیسی به عنوان زبان خارجی می‌آموزند، چراکه نیازهای این گروه اخیر چندان منحصر به یک زمان یا مکان خاص نیست. با این وجود، زمانی که به شیوه استفاده افراد از انگلیسی در یک بافت جهانی می‌نگریم، قائل شدن به چنین تمایزی بین این دو دسته چندان قابل توجیه نیست. استفاده از انگلیسی برای ارتباطات بین‌المللی، به‌ویژه با اینترنت، به این معناست که بسیاری از دانشجویان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در واقع در جامعه زبان هدف زندگی می‌کنند و ممکن است دانشجویان انگلیسی به عنوان زبان دوم فرض گردند. در نتیجه، این تمایل وجود دارد که برای تشریح هر دو موقعیت بالا از اصطلاح

1. English as a Foreign Language (EFL)
2. English as a Second Language (ESL)

انگلیسی برای گویشوران زبان‌های دیگر^۱ استفاده کنیم. با این وجود، بافتی که زبان در آن آموخته می‌شود (یعنی جامعه‌ای که گویشوران می‌خواهند عضوی از آن محسوب شوند) ارتباط قابل ملاحظه‌ای با آن گونه از زبان انگلیسی دارد که زبان‌آموزان قصد یادگیری آن را دارند و به آموختن مهارت‌های آن نیاز دارند.

مدارس عمومی و مدارس زبان

تعداد کثیری از زبان‌آموزان در سراسر جهان، زبان انگلیسی را در کلاس‌های ابتدایی و متوسطه می‌آموزند. این کار به انتخاب خود آنها نبوده و صرفاً به این خاطر زبان انگلیسی را یاد می‌گیرند که در برنامه درسی‌شان لحاظ شده است. ممکن است آنها با توجه به کشور، منطقه و حتی خود مدرسه‌ای که در آن آموزش می‌بینند، از امتیاز جدیدترین تجهیزات کلاسی و فناوری اطلاعات برخوردار باشند و یا همان‌گونه که در بخش‌های بسیاری از جهان دیده می‌شود، تنها در ردیف‌هایی از کلاس‌های درسی نشسته باشند که دارای یک تخته سیاه و فاقد هرگونه وسایل کمک‌آموزشی است. از سوی دیگر، مدارس خصوصی زبان از برخی از مدارس دولتی بهتر تجهیز شده‌اند (اگرچه همواره این‌گونه نیست). در این مدارس وسعت کلاس‌ها اغلب کوچک‌تر است. مسئله حیاتی‌تر آن است که زبان‌آموزان به انتخاب خودشان به آنجا مراجعه کرده‌اند. این امر در آغاز فرایند آموزش بر میزان انگیزش آنها تأثیر خواهد گذاشت (ذیل عنوان اهمیت انگیزش زبان‌آموزان، در همین فصل را ببینید).

کلاس‌های بزرگ و تدریس یک‌به‌یک

برخی از زبان‌آموزان ترجیح می‌دهند که جلسات خصوصی با معلم‌شان داشته باشند. این‌گونه کلاس‌ها معمولاً تدریس یک‌به‌یک^۲ نامیده می‌شود. در سوی دیگر این مقیاس، در برخی از محیط‌ها، کلاس‌های زبان انگلیسی با بیش از صد زبان‌آموز تشکیل می‌شود. کلاس‌های مدارس دولتی در بسیاری از کشورها تا بیش از ۳۰ دانش‌آموز دارند، درحالی‌که تعداد معمول دانش‌آموزان در یک مدرسه خصوصی زبان، چیزی بین ۸ تا ۱۵ زبان‌آموز است.

-
1. English for Speakers of Other Languages (ESOL)
 2. one-to-one teaching

روشن است که اندازه کلاس بر چگونگی تدریس تأثیر می‌گذارد. کار دو نفره^۱ و کار گروهی^۲ (ذیل عنوان گروه‌بندی‌های مختلف زبان‌آموزان در فصل سه را ببینید.) در کلاس‌های بزرگ‌تر به کار می‌رود تا در مقایسه با فرایند تدریس به کل کلاس، به زبان‌آموزان شانس بیشتری برای تعامل بدهند. در یک موقعیت یک‌به‌یک معلم قادر است درس را متناسب با نیازهای خاص آن فرد تعدیل نماید، درحالی‌که در کلاس‌های بزرگ‌تر لازم است نوعی اتفاق نظر بین گروه‌ها و افراد حاصل شود. ممکن است در کلاس‌های بزرگ معلم بتواند بیشتر جلوی کلاس بایستد و درس دهد، درحالی‌که در گروه‌های کوچک‌تر احتمال پیوستن به زبان‌آموزان درحالی‌که آنها مشغول کار دو نفره هستند، به مراتب بیشتر بوده و به لحاظ زمانی نیز مقرون‌به‌صرفه‌تر است.

در مدرسه و در شرکت

اکثریت عمده کلاس‌های زبان در سراسر جهان در مؤسسات آموزشی نظیر مدارس عمومی و مدارس زبانی که قبلاً به آنها اشاره شد و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها تشکیل می‌گردد. در چنین موقعیت‌هایی معلمان باید از سیاست‌های مرکز آموزشی آگاه بوده و خود را با برنامه درسی و رنوس مطالبی که توسط مدیریت آموزشی آن مرکز اتخاذ می‌گردد، وفق دهند. ممکن است از زبان‌آموزان انتظار رود که به نتایج یادگیری خاصی دست یابند و یا این‌که خود را برای آزمون‌های خاصی آماده سازند.

گروهی از شرکت‌ها نیز کلاس‌های زبان ارائه می‌دهند و از معلمان می‌خواهند تا برای تدریس به دفتر شرکت یا کارخانه مراجعه کنند. در چنین شرایطی این امکان وجود دارد که کلاس درس، در مقایسه با آنچه که مخصوصاً برای آموزش و یادگیری طراحی شده است، کاملاً متناسب نباشد. اما موضوع مهم‌تر این است که احتمال دارد معلم مجبور شود تا بر سر محتوای کلاس نه‌تنها با زبان‌آموزان، بلکه با هر شخصی که شهریه آن کلاس را می‌پردازد به‌نوعی توافق دست یابد.

-
1. pairwork
 2. group work

محیط‌های یادگیری واقعی و مجازی

از دیدگاه سنتی یادگیری زبان با حضور معلم و یک زبان‌آموز یا گروهی از زبان‌آموزان در یک فضای فیزیکی واحد صورت می‌گردد. اما پیشرفت در زمینه دسترسی به اینترنت با سرعت بالا، محیط‌های مجازی یادگیری را به وجود آورده که زبان‌آموزان در آن محیط‌ها می‌توانند زبان را بیاموزند، حتی زمانی که به معنای واقعی کلمه، هزاران کیلومتر (و در یک منطقه جغرافیایی متفاوت) از معلم و همکلاسی‌هایشان دور هستند.

برخی از مسائل مربوط به محیط‌های یادگیری مجازی^۱ و واقعی یکسان هستند. زبان‌آموزان در هر محیط نیاز به حفظ انگیزه (ذیل عنوان اهمیت انگیزش زبان‌آموزان، در همین فصل را ببینید) و کمک دارند. در نتیجه، بهترین سایت‌های مجازی یادگیری، معلمان آنلاین دارند که از طریق ایمیل و یا محیط‌های گفتگوی آنلاین، با شاگردانشان در تعاملند. همچنین، می‌توان گروه‌هایی از زبان‌آموزان را تشکیل داد که همگی آنها یک برنامه آنلاین یکسان را دنبال کنند تا بتوانند به روشی واحد (الکترونیکی) با یکدیگر حرف بزنند و تعامل کلامی داشته باشند. اما علی‌رغم این عناصر میان‌فردی، ممکن است برای برخی از زبان‌آموزان حفظ انگیزه به صورت آنلاین در مقایسه با زمانی که در گروه‌های یادگیری واقعی کار می‌کنند، دشوار باشد.

بنابراین دلایلی، یادگیری مجازی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با کلاس‌های حضوری دارد. اولاً، زبان‌آموزان دوره‌های مجازی این امکان را دارند که دروسی را برای یادگیری برگزینند که آنها را بیشتر دوست دارند (اگرچه محیط‌های چت باید در زمان واقعی برنامه‌ریزی شوند)، درحالی‌که در مراکز آموزشی و مدارس معمولاً دوره‌ها از قبل برنامه‌ریزی شده است. ثانیاً، دیگر مهم نیست که زبان‌آموزان در کجا هستند، چراکه آنها می‌توانند از هر نقطه از جهان در این کلاس شرکت نمایند.

ممکن است یادگیری برخط^۲ دارای این مزایا باشد، اما جایگزین کردن برخی از فواید موجود در محیط‌های یادگیری واقعی با منابع الکترونیکی کار چندان ساده‌ای نیست. این فواید عبارتند از واقعیت فیزیکی حضور معلمان و همکلاسی‌ها در کنار یکدیگر در جریان فرایند یادگیری، به نحوی که زبان‌آموزان می‌توانند حالات و احساسات دیگران را ببینند و از حالات

1. virtual learning

2. online

صورت و یا آهنگ صدای شان پیام‌هایی را دریافت نمایند. بسیاری از مردم، حضور افراد واقعی را به دیدن یک صفحه دارای عکس و فیلم یا فاقد آن ترجیح می‌دهند. برخی از نرم‌افزارهای ارتباطی (از قبیل پیام‌رسان ام‌اس‌ان و اسکایپ) به کاربران این امکان را می‌دهند که در جریان ارتباط یکدیگر را ببینند، اما این هم در مقایسه با برقراری تماس رودررو با معلم و همکلاسی‌ها دارای جذابیت کمتر و بی‌نظمی به مراتب بیشتری است. همچنین در محیط‌های یادگیری واقعی می‌توان با امکانات تکنیکی بسیار کمی آموزش داد، اما یادگیری مجازی متکی بر نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای مناسب و ارتباطات اینترنتی، کارآمد و قابل اتکا است. اگرچه این کتاب کاربردهای اینترنت و دیگر برنامه‌های فناوری اطلاعات را قطعاً مورد بررسی قرار می‌دهد، اما دغدغه اصلی آن، محیط‌های یادگیری مجازی نیست و ترجیح بر آن است که بر موقعیت‌هایی که معلم و شاگردانش در یک زمان و مکان واحد قرار دارند، متمرکز شود.

تفاوت‌های فراگیران

فرقی نمی‌کند که دلایل یادگیری زبان از سوی فراگیران چه باشد (و یا شرایطی که در آن تحصیل می‌نمایند، چیست)، اغلب و سوسه یکسان فرض کردن همه زبان‌آموزان وجود دارد. با این حال تفاوت‌های چشمگیری نه تنها در سن و سطح مهارت آنها، بلکه در سلیق، دانش و مهارت‌های فردی‌شان نیز به چشم می‌خورد. در این بخش به بررسی برخی از این تفاوت‌ها می‌پردازیم.

سن

فراگیران اغلب به عنوان خردسالان، کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان توصیف می‌شوند. در حوزه آموزشی، واژه خردسال عموماً برای آن دسته از فراگیرانی به کار می‌رود که بین ۲ تا تقریباً ۱۴ ساله هستند. زبان‌آموزان بین ۵ تا ۹ سال عموماً کودکان فرض می‌شوند و کودکان خیلی کم‌سن و سال معمولاً بین ۲ تا ۵ سال سن دارند. این که چه زمانی زبان‌آموزان، نوجوان نامیده می‌شوند خیلی روشن نیست، چراکه آغاز دوره نوجوانی با تغییرات فیزیکی و عاطفی و نه سن تقویمی، همراه است. با این وجود به نظر می‌رسد که این دوره به زبان‌آموزان ۱۲ تا ۱۷ سال اشاره دارد، در حالی که عموماً اینگونه فرض می‌شود که جوانان بین ۱۶ تا ۲۰ سال سن دارند.

در اینجا سه گروه سنی را مدنظر می‌گیریم: خردسالان، نوجوانان و بزرگسالان. باین وجود، لازم است به خاطر داشته باشیم که نحوه رشد کودکان، به میزان قابل توجهی با هم متفاوت است. بنابراین، توضیحاتی که در ادامه می‌آیند تنها نوعی تعمیم محسوب می‌شود.

خردسالان

یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر این است که خردسالان تنها بر آن چیزی که به آنها آموزش داده می‌شود، تمرکز نمی‌کنند بلکه از هر چیزی که در پیرامونشان در جریان است، اطلاعات کسب می‌کنند و می‌آموزند. به علاوه مسلم است که دیدن، شنیدن و لمس کردن به همان اندازه توضیحات معلم، برای فهم مطالب اهمیت دارند. علاوه بر این، می‌دانیم که به عنوان مثال هرچه سن زبان‌آموزان کمتر باشد، درک قواعد دستوری برای‌شان سخت‌تر است. اما می‌دانیم که خردسالان به توجه فردی از سمت معلم‌شان بهتر واکنش نشان می‌دهند و معمولاً از دریافت تأیید از سوی معلم‌شان خوشحال می‌شوند.

معمولاً خردسالان به فعالیت‌هایی که مربوط به زندگی و تجارب‌شان می‌شود، واکنش بهتری نشان می‌دهند. اما دامنه توجه یک خردسال-به عبارتی علاقه‌مند ماندن او به یک فعالیت- اغلب نسبتاً کوتاه است. یک ویژگی بسیار مهم کودکان این است که اگر آنها به اندازه کافی در معرض یک زبان جدید قرار گیرند، قادر خواهند بود که با سهولت قابل ملاحظه‌ای تبدیل به یک گویشور ماهر در این زبان گردند. به نظر می‌رسد آنها این زبان جدید را به همان اندازه نیز به راحتی از یاد می‌برند. به هر حال از کودکی تا دوره نوجوانی مهارت یادگیری زبانی دائماً در حال نوسان است.

نوجوانان

یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌ها میان نوجوانان و خردسالان این است که هرچه نوجوانان بزرگتر می‌شوند، ظرفیت بیشتری در تفکر انتزاعی پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، خردشان در حال شکل‌گیری است و می‌توانند درباره ایده‌های انتزاعی صحبت کنند و مفاهیم را به گونه‌ای مورد آزمایش قرار دهند که برای خردسالان بسیار دشوار است. بسیاری از نوجوانان به آسانی نیاز به

یادگیری عقلانی تر را درک کرده و می‌پذیرند.

نوجوانان در بهترین شرایط دارای ظرفیت بالایی برای یادگیری، توانایی قابل ملاحظه‌ای برای تفکر خلاق و نوعی تعهد همراه با اشتیاق درخصوص چیزهایی هستند که برای‌شان جالب است.

دوره نوجوانی با نوعی جستجوی هویت و نیاز به عزت نفس گره خورده و این امر بیشتر نتیجه جایگاه زبان‌آموزان در گروه همسالانشان است تا پیامد تأییدشدن توسط معلم.

بزرگسالان

فراگیران بزرگ‌تر در مقایسه با زبان‌آموزان کوچک‌تر اغلب (اما نه همیشه) دارای طیف وسیع‌تری از تجارب زندگی هستند و می‌توانند چه به عنوان یک فرد و یا به عنوان یک فراگیر از آن تجربه بهره‌مند شوند. این گروه در مقایسه با نوجوانان، دارای انضباط بیشتری هستند و حتی زمانی که فعالیت‌های یادگیری خسته‌کننده به نظر می‌رسد، خود را در برابر آن متعهد می‌دانند. بزرگسالان اغلب درک روشنی از دلایل یادگیری دارند و می‌توانند از طریق درک (و پیگیری) اهداف یادگیری درازمدت، انگیزه‌شان را حفظ نمایند (ذیل عنوان اهمیت انگیزش زبان‌آموزان، در همین فصل را ببینید).

از سوی دیگر، فراگیران بزرگسال تجارب یادگیری بسیاری از گذشته دارند که این تجارب می‌تواند جلوی پیشرفت آنها را بگیرد. زبان‌آموزانی که در گذشته تجاربی منفی از یادگیری داشته‌اند، ممکن است در شرایط یادگیری جدید عصبی شوند. آنهایی که سابقاً شکست خورده‌اند، ممکن است به‌صورت آگاهانه یا غیرآگاهانه آمادگی شکست‌های بیشتری را داشته باشند. همچنین ممکن است زبان‌آموزان بزرگ‌تر که از عادت مطالعه دست کشیده‌اند، کلاس‌های درس را محیط رعب‌آوری بدانند. به‌علاوه، آنها گاهی براساس تجربیات قبلی خود عقاید محکمی درخصوص شیوه‌های تدریس دارند که لازم است معلم این عقاید را مدنظر قرار دهد.

از آنجا که زبان‌آموزان در سنین مختلف ویژگی‌های مختلفی دارند، شیوه تدریس به آنها متفاوت خواهد بود. می‌توانیم در مقایسه با بزرگسالان برای خردسالان تنوع بیشتری در بازی‌ها، آوازاها و معماها در نظر بگیریم. شاید لازم باشد پیش از این که به عنوان مدرس تغییرات مکرری

را در فعالیت‌ها به‌وجود آوریم، درخصوص کارآمدی این امر اطمینان حاصل کنیم. باید به خاطر داشته باشیم که در مواجهه با یک گروه نوجوان، جایگاه زبان‌آموز در گروه همسالانش تا چه اندازه اهمیت دارد و در زمان اصلاح اشتباهات و یا تعیین نقش‌ها در یک فعالیت، باید توجه ویژه‌ای به این موضوع کنیم.

یکی از کابوس‌های تکراری معلمان، به‌ویژه مدرسانی که به نوجوانان درس می‌دهند، این است که ممکن است کنترل کلاس را از دست بدهند و برای این امر دلایل زیادی وجود دارد. این احتمال وجود دارد که زبان‌آموزان موضوع درس، همکلاسی‌ها، معلم و یا مدرسه‌شان را دوست نداشته باشند، یا حال و هوای بدرفتاری به سرشان زده و یا مسائل موجود در زندگی خارج از مدرسه بر رفتارشان در مدرسه و یا دیدگاه‌شان نسبت به زندگی تأثیر گذاشته باشد. با این وجود، نوجوانان تنها گروهی از زبان‌آموزان نیستند که مشکلات رفتاری دارند (رفتاری که برای معلم، خود زبان‌آموز و شاید دیگر افراد موجود در کلاس دردسرساز باشد). البته خردسالان نیز می‌توانند برای معلم و کلاس مشکل‌ساز شوند. حتی ممکن است بزرگسالان آشوب‌طلب و طاقت‌فرسا باشند. احتمالاً دسرهای زبان‌آموزان بزرگسال با فراگیران کوچکتر متفاوت است، اما معلمانی که به این گروه سنی تدریس می‌کنند، ممکن است با طیفی از رفتارهای مختلف مواجه شوند، نظیر زبان‌آموزانی که در برابر تلاش معلم برای متمرکز نمودن حواس‌شان بر موضوع درس مقاومت نشان می‌دهند و زمان‌شان را صرف صحبت با اطرافیان‌شان می‌کنند و یا به‌صورت شفاهی با بیشتر چیزهایی که معلم یا همکلاسی‌های‌شان می‌گویند مخالفت می‌کنند. ممکن است برخی از آنها دیر به کلاس رسیده و یا تکالیف را انجام نداده باشند. دلیل رفتارشان هرچه که باشد مسبب مشکلاتی خواهد بود.

لازم است معلمان تلاش کنند تا هم از مشکلات رفتاری جلوگیری نمایند و هم در صورت وقوع چنین مشکلاتی واکنش مناسبی نشان دهند. در فصل دوم و ذیل عنوان رابطه دوستانه به این امر می‌پردازیم که چگونه رفتار معلم می‌تواند باعث به‌وجود آمدن حس اعتماد به نفس و همکاری در شاگردان گردد. همچنین در فصل چهاردهم و ذیل عنوان «چه می‌شود اگر زبان‌آموزان فاقد روحیه همکاری باشند؟» درخصوص نحوه رسیدگی به مشکلات رفتاری بحث خواهیم کرد.

سبک‌های یادگیری

همه زبان‌آموزان به محرکه‌های مختلف (به عنوان مثال تصاویر، صداها، موسیقی، حرکات و غیره) واکنش نشان می‌دهند، اما برای بیشتر آنها (و ما) برخی از محرکه‌ها بیشتر از محرکه‌های دیگر باعث یادگیری می‌شوند. مدل برنامه‌ریزی عصبی-کلامی^۱ به توضیح این پدیده می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه برخی از زبان‌آموزان به طور خاص تحت تأثیر محرکه‌های بصری قرار می‌گیرند و وقتی چیزها را می‌بینند، احتمال به خاطر آوردن‌شان بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، برخی از زبان‌آموزان به طور خاصی تحت تأثیر محرکه‌های صوتی قرار می‌گیرند و به آن چیزهایی که می‌شنوند به نحو بسیار خوبی واکنش نشان می‌دهند. فعالیت‌های حسی-حرکتی برای آن دسته از فراگیرانی مفید است، که ظاهراً زمانی بهتر یاد می‌گیرند که در اشکالی از فعالیت‌های فیزیکی، نظیر حرکت کردن به این طرف و آن طرف و یا عوض کردن جای چیزها با دست‌های‌شان، دخیل باشند. نکته مهم این است که اگرچه همه ما به این محرکه‌ها واکنش نشان می‌دهیم، اما برای اغلب ما یک محرکه (بصری، صوتی، یا حسی-حرکتی) تأثیرگذاری بیشتری دارد و به ما کمک بیشتری در یادگیری مفاهیم و به خاطر آوردن موضوعات می‌کند.

شیوه دیگر نگرستن به تفاوت‌های میان زبان‌آموزان به واسطه مفهوم هوش‌های چندگانه^۲ ارائه می‌شود که برای نخستین بار توسط هاوارد گاردنر مطرح گردید. در این مفهوم (و نیز مفاهیم ارائه‌شده توسط افرادی که از او پیروی کرده و نظریاتش را بسط دادند)، همه افراد دارای هوش‌های متفاوتی هستند (ریاضیات، موسیقی، میان‌فردی، فضایی، عاطفی و ...). ممکن است درحالی‌که که هوش ریاضی یک شخص بسیار پیشرفته باشد، اما هوش میان‌فردی‌اش (یعنی توانایی برقراری تعامل و ارتباط با دیگران) چندان پیشرفته نباشد؛ همچنین ممکن است شخص دیگری دارای هوش موسیقایی و درک فضایی خوبی باشد، ولی به لحاظ ریاضیات ضعیف باشد. لذا درست نیست که افراد را به صورت باهوش یا کم‌هوش توصیف کنیم، چراکه اگرچه این احتمال وجود دارد که شخصی شتم موسیقایی نداشته باشد، اما این امر بدان معنا نیست که توانایی وی در حوزه‌های دیگر نیز به همین اندازه محدود باشد.

-
1. Neuro-Linguistic Programming (NLP)
 2. Multiple Intelligences

آنچه که این دو نظریه (از دیدگاه‌های مختلف) به ما می‌گویند این است که در هر کلاس درس افرادی متفاوت و دارای سلیق و سبک‌های یادگیری مختلف وجود دارد و معلمان باتجربه از این امر آگاه‌اند و تلاش می‌کنند تا حد ممکن همه این انواع سبک‌های یادگیری را در کلاس درس مدنظر قرار دهند. در واقع این بدان معناست که به منظور پرداختن به تمامی نیازها و تفاوت‌های فردی لازم است طیف وسیعی از انواع فعالیت‌های مختلف را در کلاس به کار بریم.

با این وجود باید بفهمیم که آیا هیچ‌گونه نتیجه‌گیری کلی وجود دارد تا به ما در ترغیب عادت‌هایی که به درد همه زبان‌آموزان می‌خورند، کمک نماید. به عنوان مثال، ممکن است بگوییم که تکالیف^۱ به همان اندازه فعالیت خواندن^۲ تفریحی^۳ برای همه افراد مناسب هستند (فصل ۷ را ببینید). برخی از فعالیت‌های خاص، نظیر بسیاری از فعالیت‌های مربوط به صحبت کردن که در فصل ۹ آمده‌اند، برای تمامی زبان‌آموزان کلاس مفید هستند، اگرچه ممکن است که به دلایلی که ذکر شد، شیوه سازماندهی آنها و چیزهایی که دقیقاً از شاگردان می‌خواهیم تا انجام دهند با هم فرق داشته باشند.

سطح مهارت زبان‌آموزان

معلمان زبان انگلیسی دانش زبانی زبان‌آموزان‌شان را عموماً به سه دسته اساسی تقسیم می‌کنند: سطح مقدماتی^۴، سطح متوسط^۵ و سطح پیشرفته^۶. به‌طورکلی زبان‌آموزان سطح مقدماتی آن دسته از زبان‌آموزانی هستند که هیچ‌گونه آشنایی با زبان انگلیسی ندارند. زبان‌آموزان سطح پیشرفته آنهایی هستند که دارای قابلیت زبانی بالایی هستند و این قابلیت آنها را قادر می‌سازد متون واقعی و داستانی ساده‌نشده را خوانده و به‌راحتی با دیگران ارتباط برقرار کنند. زبان‌آموزان سطح متوسط که بین این دو سطح قرار می‌گیرند، دارای نوعی قابلیت پایه در مهارت‌های صحبت کردن و نوشتن هستند و قادرند فعالیت‌هایی نسبتاً آسان مربوط به مهارت‌های خواندن

-
1. homework
 2. reading for pleasure
 3. beginner
 4. intermediate
 5. advanced

و شنیدن را درک نمایند. با این وجود، همان گونه که در ادامه خواهیم دید، این گونه دسته‌بندی‌ها نوعی برچسب‌های تقریبی و از پیش ساخته هستند که معنای دقیق‌شان از یک مؤسسه به مؤسسه دیگر متفاوت است.

اگر بخواهیم تعاریف خاص و دقیق‌تری از این سه نوع سطح داشته باشیم، می‌توانیم از اصطلاحات توصیفی دیگری نیز استفاده کنیم. نوعی تمایز بین سطح مقدماتی (زبان‌آموزانی که یک دوره مقدماتی را آغاز می‌کنند و اساساً هیچ چیزی درباره انگلیسی نمی‌دانند) و سطح مقدماتی کاذب^۱ وجود دارد که بازتاب این حقیقت است که گروه دوم در واقع نمی‌توانند زبان انگلیسی را به کار برند، اما اطلاعات زیادی در این زمینه دارند که می‌توان این اطلاعات را به راحتی فعال نمود، لذا آنها در سطح مقدماتی واقعی نیستند. زبان‌آموزان سطح پایه^۲ دیگر در سطح مقدماتی نیستند و قادر به برقراری نوعی ارتباط اساسی هستند. آنها می‌توانند جملات را به هم وصل کرده و یک داستان ساده بسازند و یا در تعاملات گفتاری ساده شرکت کنند. زبان‌آموزان سطح پیش از متوسط هنوز به قابلیت زبانی سطح متوسط دست نیافته‌اند، ولی فصاحت در گفتارشان بیشتر شده و درک کلی‌شان از برخی از متون اصیل انگلیسی بالا رفته است. با این وجود، آنها با بخش عمده واژگان و ساختارهای اساسی زبان آشنایی پیدا کرده‌اند. از سوی دیگر، زبان‌آموزان سطح بالاتر از متوسط دارای قابلیت زبانی زبان‌آموزان سطح متوسط به اضافه دانش وسیع‌تری از ساختارهای دستوری و کاربرد مهارت‌ها هستند. با این وجود، ممکن است به آن سطح دقت و ژرفای دانشی که زبان‌آموزان سطح پیشرفته به آن دست یافته‌اند، نرسیده باشند و در نتیجه کمتر توانایی آن را داشته باشند که در سطوح مختلفی از ظرافت و نکته‌سنجی عملکرد مناسبی داشته باشند.

در سال‌های اخیر، شورای اروپا و انجمن آزمون‌سازان زبان در اروپا^۳ در تلاش برای تعریف نمودن سطوح قابلیت زبانی برای فراگیران برخی از زبان‌های مختلف بوده‌اند. نتیجه این تلاش‌ها چارچوب اروپایی مشترک مرجع برای زبان‌ها (سندی که با جزئیات مشخص می‌نماید که زبان‌آموزان در سطوح مختلف قادر به انجام چه کاری هستند) و مجموعه‌ای از

-
1. false beginner
 2. elementary
 3. Association of Language Teachers of Europe (ALTE)

سطوح مربوط به انجمن آزمون‌سازان زبان در اروپا است که از A1 (که تقریباً معادل همان سطح پایه است) تا C2 (خیلی پیشرفته) را شامل می‌شود. نمودار زیر سطوح مختلف موجود در این توالی را نشان می‌دهد. (نمودار طراحی نشده است.)

B1 → سطح پیش از متوسط → A2 → سطح پایه → A1 → سطح مقدماتی کاذب → سطح مقدماتی
سطح پیشرفته → C2 → C1 → سطح بالاتر از متوسط → B2 → سطح متوسط →

(اصطلاحات به کار رفته برای سطوح مختلف زبان‌آموزان و سطوح مربوط به انجمن آزمون‌سازان زبان در اروپا است.)

این سطوح در عمل برای زبان‌آموزان به چه معنا است؟ به عنوان مثال اگر شخصی در سطح B1 قرار دارد، چگونه می‌توان توانایی‌هایش را توصیف نمود؟ همان‌گونه که مثال موجود در صفحه بعد در خصوص مهارت نوشتن نشان می‌دهد (A1 در سمت راست قرار دارد و C2 در سمت چپ) انجمن آزمون‌سازان زبان در اروپا نوعی فهرست «می‌توانم...» را طراحی کرده تا از میزان ابهام موجود در این سطوح بکاهد.

سطوح مربوط به انجمن آزمون‌سازان زبان در اروپا و فهرست «می‌توانم...» (در کنار اصطلاحات دیگری که قبلاً به آنها اشاره شد)، بیش از پیش توسط نویسندگان کتب درسی و طراحان برنامه‌های درسی، نه تنها در اروپا بلکه در سراسر جهان به کار رفت.

با این وجود، بیان دو نکته لازم است: استانداردهای مربوط به انجمن آزمون‌سازان زبان در اروپا، تنها یک شیوه برای اندازه‌گیری سطح مهارت زبانی هستند. استانداردهای مربوط به زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم که توسط سازمان متولی امر آموزش زبان به گویشوران دیگر زبان‌ها (TESOL)^۱ در ایالات متحده طراحی شده‌اند (یادداشت‌های فصل را ببینید) و بسیاری دیگر از نظام‌های آزمون‌سازی، توصیف‌گرهای ویژه خودشان را برای تعیین سطح زبان‌آموزان دارند. به علاوه، باید به خاطر داشته باشیم که توانایی‌های زبان‌آموزان در هر یک از این سطوح خاص نیز ممکن است متفاوت باشند. (به عبارت دیگر، مثلاً ممکن است که مهارت گفتاری‌شان به مراتب بهتر از مهارت نوشتاری‌شان باشد.)

اگر مدام این نکته را در ذهن داشته باشیم که اصطلاحاتی همچون سطح مقدماتی و سطح

1. TESOL (Teaching English to Speakers of Other languages)